

افسانه‌سرایی شوروی درباره ایمنی

گریگوری مدودف در دهه ۱۹۷۰ هنگام ساخت مجموعه هسته‌ای چرنوبیل سرمهندس بود. کتاب او با عنوان حقیقت درباره چرنوبیل (که در سال ۱۹۸۹ درست وقتی نشانه‌های فروپاشی کمونیزم در اروپا ظاهر شده بود و قبل از سقوط اتحاد شوروی، منتشر شد)، حاصل بررسی دقیق حادثه است. در دیدگاهی که از پی خواهد آمد، و برگرفته از کتاب اوست، مدودف استدلال می‌کند حادثه‌ای مانند گداخت هسته مرکزی در چرنوبیل نه به سبب نقص در طراحی رآکتور (هرچند این موارد را کاملاً تأیید می‌کند)، بلکه به سبب ده‌ها سال اطمینان حاکمیت از این موضوع بود که انرژی اتمی ایمن‌تر و پاکیزه‌تر از سوخت‌های فسیلی است. تبلیغات حکومت همگام با سانسور سیستماتیک گزارش‌های مربوط به حوادث ناگوار هسته‌ای در شوروی یا بقیه مناطق دنیا باعث شد مردم شوروی نسبت به احتمال هر گونه حادثه خطرناک بی‌اعتنا باشند و به همین دلیل بود که تأثیر حوادث ناگوار و متعدد ناشی از رادیواکتیو به صورتی هولناک تشدید شد.

میخائیل سرگیویچ گورباچف [آخرین رهبر شوروی] در سخنرانی خود در تلویزیون شوروی در ۱۸ اوت ۱۹۸۶ گفت: «تلف شدن خدمه چلنجر [ساتل فضایی ایالات متحده در ۲۳ ژانویه ۱۹۸۶] و حادثه نیروگاه اتمی چرنوبیل هشدار خطرناک است و بی‌رحمانه به یادمان می‌آورد که نوع بشر هنوز تلاش می‌کند با نیروهای موهوم و قدرتمندی دست‌وپنجه نرم کند که خود به وجود آورده است و هنوز در حال پیشرفت برای یادگیری نحوه استفاده از آن‌هاست».

این ارزیابی فوق‌العاده جدی از استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای اولین ارزیابی از نوع خود در سی و پنج سال توسعه انرژی هسته‌ای در اتحاد شوروی بود. این کلمات رهبر شوروی بی‌تردید نشانه دوره تطهیر واقعیات بود، تغییری که با قدرت تمام کشور ما [روسیه] را فراگرفت.

به این ترتیب برای آموختن از گذشته باید به یاد بیاوریم که دانشمندان ما سی و پنج سال تمام در مطبوعات و رادیو و تلویزیون بارها و بارها دروغ گفتند. به شهروندان معمولی القا کرده بودند انرژی اتمی صلح‌آمیز عملاً دواي همه دردهاست و غایت امنیت، پاکي اکولوژیکی و اطمینان. در مجموع مسئله ایمنی نیروگاه‌های هسته‌ای اشتیاقی خلسه‌آور به وجود آورده بود.

در سال ۱۹۸۰، ام. ای. استیریکوویچ در ماهنامه اوگونیوک هیجان‌زده مدعی شد: «نیروگاه‌های هسته‌ای مانند ستاره‌هایی هستند که تمام روز می‌درخشند! آن‌ها را در سراسر زمین خواهیم کاشت. آن‌ها کاملاً ایمن هستند.» و دقیقاً کاری بود که انجامش دادند. ان. ام. سینف، معاون کمیته دولتی بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای، از تصویری ساده برای توضیح مسئله برای خواننده‌های معمولی استفاده کرد: «راکتورهای هسته‌ای کوره‌های معمولی هستند و اپراتورهایی که با آن‌ها کار می‌کنند، مأمور سوخت». به این ترتیب خیلی ساده رآکتورهای اتمی را همسنگ دستگاه‌های بخار معمولی دانست و اپراتورهای نیروگاه هسته‌ای را مأموران سوخت‌رسان که زغال سنگ را داخل کوره می‌ریزند.

این تشبیه از هر لحاظ اشتباه بود. اول آن که مردم را خاطر جمع کرد؛ دوم آن که باعث شد مزد پرداخت شده به کارکنان نیروگاه‌های هسته‌ای همان مبلغی باشد که به کارگران نیروگاه‌های برق حرارتی پرداخت می‌شد و در برخی موارد حتی کمتر.

به گفته او. د. کازاچکوفسکی، رئیس مؤسسه فیزیک - انرژی، در پراودا [روزنامه رسمی شوروی] در ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۴، زباله‌های هسته‌ای که بالقوه بسیار خطرناک هستند چنان متراکم‌اند که باید آن‌ها را در محلهایی دور از محیط‌زیست انبار کرد. در واقع زمان انفجار چرنوبیل معلوم شد که جایی برای دفن سوخت هسته‌ای مصرف شده وجود نداشته است. طی چند دهه گذشته هیچ‌گونه امکاناتی برای دفن سوخت هسته‌ای مصرف شده ساخته نشده بود و یکی هم که روبه‌روی رآکتور صدمه دیده در محیطی به شدت رادیواکتیو ساخته شده بود باعث می‌شد بنا و خدمه مشغول به کار در آن در معرض تشعشعات بالا قرار داشته باشند.

او. د. کازاچکوفسکی در همان شماره پراودا نوشت: «ما در عصر اتم زندگی می‌کنیم. نیروگاه‌های هسته‌ای در عمل بی‌دردسر و مطمئن از آب درآمدند. رآکتورهای هسته‌ای کم‌کم کار گرم کردن شهرها و توسعه مناطق را عهده‌دار خواهند شد». اما فراموش کرد بگوید نیروگاه‌های هسته‌ای حرارتی نمی‌بایست در جوار شهرهای بزرگ ساخته شوند.

وقتی گزارشگری گفت ساختمان وسیع نیروگاه هسته‌ای در چرنوبیل ممکن است برای مردم خطرناک باشد، آ. ی. شیدلین عضو فرهنگستان علوم پاسخ داد: «مردم درباره این چیزها زیادی سروصدا می‌کنند. نیروگاه‌های هسته‌ای در کشور ما برای اهالی مناطق دور و بر کاملاً امن هستند. اصلاً جای نگرانی نیست.»

ای. ام. پتروسیان‌تس، رئیس کمیته دولتی بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای در اتحاد شوروی، نقش مهمی در تبلیغ ایمنی نیروگاه‌های برق هسته‌ای ایفا کرد.

به گفته او: «احساس تردید و بی‌اعتمادی در مورد نیروگاه‌های هسته‌ای به دلیل ترس اغراق‌آمیز از در معرض تشعشع خطرناک قرار گرفتن کارکنان نیروگاه و به ویژه جماعتی است که آن حوالی زندگی می‌کنند.

استفاده از نیروگاه‌های هسته‌ای در اتحاد شوروی و خارج از آن، از جمله در ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، کانادا، ایتالیا، ژاپن، جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان نشان می‌دهد که آن‌ها در امنیت کامل کار می‌کنند. مشروط بر آن‌که برنامه‌های رسمی و قوانین لازم رعایت شود. از این‌ها گذشته، می‌توان درباره این‌که نیروگاه‌های هسته‌ای برای بشر و محیط‌زیست زیان‌بارتر است یا نیروگاه‌هایی با سوخت زغال سنگ می‌توان بحث کرد».

در این مرحله بنا به دلایلی، پتروسیان‌تس توضیح نداد که نیروگاه‌های حرارتی می‌توانند نه تنها با زغال سنگ و نفت (که به هر حال آلودگی ناشی از آن‌ها محلی بوده و کشنده نیست) بلکه با گاز هم کار کنند که در شوروی مقادیر عظیمی از آن استخراج می‌شود و همان‌طور که به خوبی می‌دانیم، به جاهای دیگر از جمله اروپای غربی صادر می‌شود. تبدیل نیروگاه‌های حرارتی بخش اروپایی کشور به گازسوز می‌توانست به طور کامل مشکل آلودگی با خاکستر و سولفوریک انیدرید را برطرف کند. با این همه، پتروسیان‌تس این مسئله را هم با اختصاص تمام آن فصل از کتاب به مسئله آلودگی محیط‌زیست با نیروگاه‌های حرارتی که سوختشان زغال سنگ است به بیراهه کشانده است، و این در حالی است که در مورد شواهد واقعی آلودگی محیط‌زیست ناشی از نیروگاه‌های هسته‌ای، که مطمئناً با آن آشنا بوده، سکوت کرده است. این از قلم‌افتادگی تصادفی نبود.

پتروسیان‌تس باید می‌دانست از سال ۱۹۶۴ که اولین رآکتور تک حلقه در نیروگاه هسته‌ای بلویارسک برای اولین بار وارد مدار شد، بارها و بارها از کار افتاده است: «بخش‌های مربوط به سوخت اورانیوم اصلاً قابل اطمینان نبود و کارکنان هنگام تعمیر در معرض دوز بالای تشعشع قرار می‌گرفتند. قرار گرفتن در معرض تشعشع رادیواکتیو، عملاً بدون وقفه، تقریباً به مدت پانزده سال ادامه داشت. در سال ۱۹۷۷ در دومین رآکتور همان نیروگاه که آن‌هم تک حلقه بود، ۵۰ درصد سوخت رآکتور هسته‌ای ذوب شد. تعمیر آن یک سال طول کشید. کارکنان نیروگاه هسته‌ای بلویارسک در دم در معرض دوز بالایی از تشعشع قرار گرفتند و از دیگر نیروگاه‌های هسته‌ای افرادی را برای انجام دادن تعمیرات خطرناک به محل آوردند. او

همچنین احتمالاً خبرداشته که در شهر میلکس در منطقه اولیانفسک زباله‌های به شدت رادیواکتیو، زیر زمین به حال خود رها شده است. احتمالاً می‌دانست که راکتورهای اتمی بریتانیا در ویندسکیل، وینفریت و دونری آب آلوده به مواد رادیواکتیو را از دهه ۱۹۵۰ در دریای ایرلند خالی می‌کنند (هنوز هم میکنند [سال ۱۹۸۹]). این فهرست را می‌توان ادامه داد. فقط بگویم که پتروسیان‌تس در کنفرانس مطبوعاتی مسکو در ۶ مه ۱۹۸۶ درباره فاجعه چرنوبیل، با گفتن این جمله که «علم به قربانی نیاز دارد» بسیاری را تکان داد؛ سخنی که نمی‌توان فراموش کرد.

البته اپراتورهای نیروگاه‌های هسته‌ای که مجبور بودند هر روز نه در دفتر کار آرام یا آزمایشگاه بلکه در محل کار خود به صورت مستقیم با اتم صلح آمیز سروکله بزنند نمی‌توانستند مثل دانشمندان پیش‌بینی‌هایی خوشبینانه داشته باشند. در تمامی آن سال‌ها وزاری به شدت محافظه‌کار، اطلاعات مربوط به خرابی و حوادث ناگوار نیروگاه‌های هسته‌ای را غربال می‌کردند و فقط اطلاعاتی بر ملا می‌شد که سیاست‌گذاران ارشد انتشار آن را لازم می‌دانستند. یکی از رویدادهای مهم آن روزها کاملاً یادم است - حادثه «تری‌مایل‌آیلند» [ذوب جزئی هسته نیروگاه هسته‌ای تری‌مایل‌آیلند در پنسیلوانیا] در ۲۸ مارس ۱۹۷۹ که اولین ضربه‌ی جدی به انرژی هسته‌ای بود و، در اذهان بسیاری اما نه همه، توهم ایمن بودن نیروگاه‌های انرژی هسته‌ای را فروریخت.

در آن زمان من رئیس بخشی در سایوز اتم انرژی بودم، دپارتمان وزارت انرژی و برق‌رسانی شوروی که نیروگاه‌های هسته‌ای را اداره می‌کند، و واکنش خودم و همکارانم به آن رویداد اندوه‌بار را به یاد دارم. ما که از سال‌ها قبل برای سرهم کردن، نگهداری و اداره نیروگاه‌های هسته‌ای کار می‌کردیم و از روی تجارب دست‌اولی که داشتیم می‌دانستیم ایمنی در چنین نیروگاه‌هایی به معنی واقعی کلمه از خرابی یا فاجعه سرسوزنی فاصله دارد، در آن زمان گفتیم: «دیر یا زود باید اتفاق می‌افتاد. همچو اتفاقی اینجا هم ممکن است بیفتد».

اما نه من و نه افرادی که قبلاً در نیروگاه‌های هسته‌ای کار کرده بودند، اطلاع کاملی از حادثه نداشتیم. گزارش کامل حادثه پنسیلوانیا به دست رؤسای دپارتمان‌های اصلی دولت و معاونان آنان رسیده بود. سؤال این است: چه نیازی به پنهان‌کاری در مورد حادثه‌ای بود که همه دنیا از آن خبر داشت؟ از این گذشته، اگر اطلاعات مربوط به تجربیات تلخ بلافاصله منتشر شود، می‌تواند تضمینی باشد برای جلوگیری از رخ دادن دوباره‌ی آن. اما آن روزها رسم بر آن بود که خبرهای منفی منحصراً در اختیار رهبران ارشد قرار گیرد و تنها نسخه‌های سانسور شده به پایین دستی‌ها داده شود. هر چند حتی همان نسخه‌های سانسور شده هم افکار ناامیدکننده‌ای درباره ماهیت پنهان تشعشع برمی‌انگیخت، اما با وجود تدابیر احتیاطی خبرها درز می‌کرد، به همین سبب آگاه‌سازی عموم مردم از این مشکلات ضروری به نظر می‌رسید. اما در آن روزها

سازمان‌دهی این نوع کارهای آموزشی غیرممکن بود چرا که در تضاد با خط مشی رسمی قرار داشت که بر ایمنی کامل نیروگاه‌های اتمی پافشاری می‌کرد.

از این رو من، که مصمم بودم این کار را به تنهایی انجام دهم، چهار داستان کوتاه درباره نحوه زندگی و کار مردم در نیروگاه‌های هسته‌ای نوشتم. عناوین آن‌ها عبارت بودند از: «اپراتورها»، «دیدگاه تخصصی»، «راکتور» و «سوختگی هسته‌ای». اما وقتی می‌خواستم آن‌ها را چاپ کنم، ناشرها می‌گفتند: «منظورت چیست؟ دانشگاهی‌ها همیشه می‌نویسند نیروگاه‌های هسته‌ای شوروی کاملاً ایمن هستند. استاد کیریلین حتی می‌خواهد درست روبه‌روی نیروگاه هسته‌ای باغچه‌ای درست کند - و تو داری این مزخرفات را می‌نویسی! در غرب شاید این اتفاق‌ها بیفتد، اما اینجا خیر!» حتی سردبیر یکی از ماهنامه‌های مهم بعد از تعریف و تحسین از یکی از داستان‌های کوتاه گفت: «اگر این ماجرا در غرب اتفاق افتاده بود آن را منتشر می‌کردیم».

بالاخره توانستم یکی از این داستان‌های کوتاه - «اپراتورها» - را در سال ۱۹۸۱ در همان مجله چاپ کنم. خوشحالم که موفق شدم حداقل به آن‌هایی که توانستند آن را بخوانند هشدار داده باشم.

در سال ۱۹۷۴، در نشست عمومی سالانه آکادمی علوم شوروی، آ. پ. آکساندروف که استاد دانشگاه بود گفت: «منتقدان ما می‌گویند انرژی هسته‌ای خطرناک است و ممکن است باعث آلودگی محیط‌زیست شود. اما رفیق، درباره جنگ هسته‌ای چه می‌گویید؟ در صورت وقوع جنگ هسته‌ای چه جور آلودگی رخ خواهد داد؟»
منطق پس پشت این گفته حقیقتاً بهت‌آور است.

ده سال بعد، در نشست اعضای فعال حزب در وزارت انرژی شوروی، یک سال قبل از فاجعه چرنوبیل، باز آ. پ. آکساندروف در یک تذکره مالیخولیایی یادآور شد: «رفقا، شانس با ما یار بوده که اتفاقی مثل اتفاق پنسیلوانیا برای ما رخ نداده است».

این گفته نشانه تحولی مهم در طرز فکر رئیس آکادمی علوم شوروی بود. البته ده سال زمان درازی است و به یقین می‌توان گفت که او وقوع فاجعه را پیش‌بینی می‌کرد.

(منبع: کتاب «چرنوبیل»، ویراسته‌ی دیوید اریک نلسون، ترجمه شهربانو صارمی، نشر ققنوس)